

آلبرت بیگ جانی از نمایش «چمدان و سگ ملوس» با تکنیک عروسکی ماروت می گوید

عروسک‌هایی برای بزرگسالان و دکوری در لوله پولیکا

گفتگو

مینا صار

این روزها سالن سایه مجموعه تئاتر شهر، ساعت ۱۹ میزبان نمایش «چمدان و سگ ملوس» اثر آلبرت بیگ جانی شده است. این نمایش با نگاهی به نمایشنامه «بازی یالتا» نوشته برایان فری بل اجرا می شود و البته جوهره اصلی «بازی یالتا» داستان کوتاه «بانو و سگ ملوس» نوشته آنتوان چخوف است. این نمایش، داستان زنی روس و مردی ایتالیایی را به صورت بی کلام روایت می کند که در کافه ایستگاه قطار پاریس با یکدیگر آشنا می شوند و به رغم تفاوت زبان و حوادث ناخوشایندی که اتفاق می افتد به همدیگر دل می بندند. «چمدان و سگ ملوس» که پیش از این در شانزدهمین جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی، تهران مبارک اجرا شده بود، پس از حدود یک سال، به اجرای عمومی رسیده است. به بهانه این اجرا با آلبرت بیگ جانی، نویسنده، طراح و کارگردان این نمایش گفت و گو کرده ایم.

«چمدان و سگ ملوس» در هفدهمین دوره جشنواره بین المللی تئاتر عروسکی تهران مبارک اجرا شده بود و یکی از نمایش های منتخب این جشنواره بود و برای حضور در جشنواره های بسیار زیادی هم از این نمایش دعوت شده است. چه شد که در این زمان نامناسب و پس از حدود ۱۰ ماه از جشنواره تهران مبارک این نمایش به سالن سایه آمد و به اجرای عمومی رسید؟

این زمان را برای اجرا در اختیار من قرار دادند و من هم آن را با آغوش باز پذیرفتم چون فکر نمی کردم مجموعه تئاتر شهر به من سالن بدهد. البته به مسئولان این مجموعه حق می دهم چون روزی که این نمایش را برای اجرا آماده کردم، می دانستم که نمایش مخاطب چندانی نخواهد داشت چون چهره ای در این نمایش حضور ندارد و مخاطب نمایش من کودکان نیستند. نمایش های عروسکی که مخاطب بزرگسال دارند، چندان مورد استقبال قرار نمی گیرند و البته این مسئله مختص ایران نیست و در کشور های دیگر هم شرایط بر همین منوال است. نمایش های عروسکی ای که برای مخاطب بزرگسال ساخته می شوند، بیشتر در جشنواره هامورد استقبال قرار می گیرند. تمام دکور نمایش، در یک لوله پلیکای یک متری جامی شود و حدود سه کیلو گرم وزن دارد. این نمایش با وجود این که دیالوگ ندارد، قابل فهم است. با این شیوه کار را بستم تا بتوانم امکان جابه جایی داشته باشم و در جشنواره های مختلفی شرکت کنم.

«چمدان و سگ ملوس» با نگاهی بر نمایشنامه «بازی یالتا» نوشته و اجرا شده است. چه شد که احساس کردید نمایشنامه فری بل برای عروسکی شدن مناسب است؟

این اجرا، داستان جالبی دارد. متنی که برای حضور در جشنواره تهران مبارک ارائه دادم، متنی به نام «دیر کبوتر» بود. اما وقتی به همراه لوون هفتون نمایش «بازی یالتا» را اجرا کردیم، این متن و کاراکتر های نمایش به قدری به من نزدیک بود که نتوانستم از آن جدا شوم. نمی توانم بگویم چخوف یا فری بل مرا به این اجرا ترغیب کردند چون دو کاراکتر «بازی یالتا» مرا وسوسه کردند که «چمدان و سگ ملوس» را روی صحنه ببرم. سعی کردم کار عروسکی ام را بر اساس این دو کاراکتر در ایران آغاز کنم. نکته مهم دیگر این بود که این دو شخصیت را می توانستم با عروسک ماروت در ست کنم و من می خواستم یک تئاتر ماروت اجرا کنم. در این نمایش شاهد هستیم که داستان نمایش در مدت زمانی بسیار کوتاه و با ریتمی تند روایت می شود. این روزها کمتر شاهد نمایش هایی هستیم که در مدت ۳۰ تا ۴۰ دقیقه اجرا شوند؛ کمی در باره شیوه نگارش این نمایشنامه بگویید.

شاید این نوع کار، یکی از خصوصیات من است که نمی دانم مثبت است یا منفی و گاهی احساس می کنم اتفاق ها را زبانی سریع پیش می برم و نمایش خیلی زود تمام می شود اما اعتقاد دارم ما نباید اجازه بدهیم که تماشاگر نمایش خسته شود. اگر تماشاگر در زمان تماشای نمایش خسته شد، حتما کار ما ایراد داشته است.

در ابتدای نمایش شخصیت پاتولو با بازی محمدرضا مالکی، نوعی تعامل با مخاطب برقرار می کند و گلی را به یکی از مخاطبان می دهد اما در ادامه، این گل پس گرفته و به آنا اهدا می شود. البته به شیوه ای این ارتباط مدیریت می شود که مخاطب به نمایش ورود نکند. چگونه این بخش از نمایشنامه را مدیریت کردید؟

بخش اهدای گل در نمایشنامه فری بل وجود داشت تا رابطه ای میان تماشاگر و بازیگر اتفاق بیفتد. بخشی که پاتولو گل را پس می گیرد، به کاراکتر پاتولو مربوط می شود، این شخصیت را ایتالیایی انتخاب کردیم چون این نوع اتفاق ها میان ایتالیایی ها زیاد می افتد. این شخصیت،



جنتلمن است اما از پدر سوختگی های افراد آن دوران هم دارد که تلاش کردیم این وجه از شخصیت او را نشان دهیم. برای من تعامل مخاطب و تماشاگر بسیار مهم بود. از سویی دیگر عروسک ها را به گونه ای طراحی کرده بودم که می توانست این رابطه را کاملاً برقرار کند. در زمان طراحی عروسک این که تماشاگر وارد بازی شود را مدنظر قرار داده بودم. تلاش کردیم که هم تماشاگر را به صحنه وارد کنیم و هم فاصله او با شخصیت ها و جریان نمایش را کنترل کنیم.

همان طور که گفتید صحنه را بسیار مینیمال طراحی کردید و حتی بسیاری از بخش ها همچون کافه را با پارچه چاپ شده به مخاطب نشان می دادید. چقدر این وجه از طراحی به اجرای نمایش در جشنواره ها مربوط بود و چه میزان به بیشتر کردن خلاقیت تماشاگران علاقه مند بودید؟

دلیل اصلی من همان مینیمالیسم بود. حتی با بازیگر انم جدل و بحث داشتیم. آن ها می گفتند که حداقل دو میز روی صحنه داشته باشیم تا بتوانند روزنامه و... را روی آن بگذارند و من کاملاً با این کار مخالف بودم چون می خواستم مینیمالیسم کار کاملاً حفظ شود. حتی میان این که وسیله ای اضافه شود و زحمت ما برای در آوردن نمایش بیشتر شود، زحمت بیشتر را مدنظر قرار می دادم. تلاش کردم با یک پیشبند، ماسک، کلاه و... تغییر شخصیت ها را اعمال کنم. احساس می کنم از این مینیمال تر امکان نداشت. دکور هم تنها از دو پرده تشکیل می شد. در طراحی صحنه معتقدم هیچ عنصر بی خودی نباید روی صحنه حضور داشته باشد و همه چیز باید کاملاً کاربردی باشد. موسیقی و دکور باید شخصیت پردازی شوند، آغاز و پایان داشته باشند و به درام وارد شوند.

به تکنیک ماروت اشاره کردید. در ایران نمایش های عروسکی بسیار اندکی با این سبک می بینیم. با وجود جذابیت هایی که این سبک دارد چرا کارگردانان تئاتر عروسکی ما چندان به این نوع کار تمایل نشان نمی دهند؟

ماروت تئاتر چندان جدیدی نیست اما در ایران بسیار کم کار می شود. شاید این نوع تئاتر جانیفته است. شاید برای نزدیک شدن به این شیوه نمایشی، ریسه یک پذیری ندارند. البته نکته مهم این است که ماروت بازیگر نیاز دارد و یک عروسک گردان ساده نمی تواند با این عروسک روی صحنه بیاید. در تئاتر ماروت، نصف بدن عروسک، انسان است؛ پاها و یکی از دستان عروسک، لباسی هستند که به بدن عروسک گردان پوشانده شده است. پس یک بازیگر کامل نیاز داریم که باید یک عروسک گردان

مسافرت دور دنیای سگ ملوس و چمدانش!

چه برنامه ای برای آینده «چمدان و سگ ملوس» دارید؟

از ابتدا می دانستم که این نمایش برای اجراهای جشنواره ای مناسب است و احساس می کنم در دوران اجرای عمومی مخاطبان خودمان را داشته ایم. برای اجرا در جشنواره ها برنامه ریزی کرده ام. دقیقاً روزی که اجراهای ما به پایان می رسد؛ یعنی ۳۱ تیرماه، به گرجستان می رویم و در جشنواره پوتی، این نمایش را اجرا می کنیم، ۲۴ سپتامبر که با چهارم مهرماه مصادف است، به جشنواره سوباتیکای صربستان می رویم، سه روز بعد در جشنواره آکادمی کی اف او کراین روی صحنه می رویم که در ۱۰ روز این اتفاق می افتد. در حال رایزنی با وارانای بلغارستان هستیم. دعوت نامه ای هم از شارلوت مدیز دارم اما هزینه های این اجرا سنگین است و بعید می دانم به این جشنواره برویم. البته ما سه جشنواره را به دلیل همکاری نکردن سفارت ها از دست دادیم؛ برای حضور در جشنواره یوروپا پت ایتالیا که بسیار مطرح است و در هفت منطقه برگزار می شود، دریافت کردیم اما سفارت این کشور با ما همکاری نکرد و به ما نوبت ویزا نداد اما برای ویزا گرفتن مشکلی نداشتیم اما برای ورود به سفارت و نوبت ویزا مشکل داشتیم. متأسفانه روسیه را هم به دلیل ناهماهنگی هایی که پیش آمد از دست دادیم. سه روز باید در جشنواره می بودیم اما به ما برای دو روز ویزا دادند در حالی که رفت و آمد ما به پترزبورگ بیش از این مدت زمان نیاز داشت!



کاملی هم باشد.

در این نمایش شاهد بودیم که عروسک با عروسک گردان تعامل دارد و حتی با اومشورت می کند. همچنین صورت عروسک گردان پوشیده نیست و میمیک چهره بازیگر به نوعی حال و هوای عروسک را بیشتر و بهتر نشان می دهد. این تعامل، اتفاق غریبی نیست و در این نوع تئاتر معمول است. در این شیوه برخی از کارگردان ها صورت بازیگر را می پوشانند اما من به خاطر بخش تعامل، ترجیح دادم صورت بازیگر را پوشانده نشود. البته تمام تلاش من این بود که توجه مخاطب از عروسک پرت نشود و میمیک بازیگر را به عروسک لطمه نزنند چون در نهایت باید عروسک حرف خود را بزند. نکته دیگری که در این زمینه وجود دارد این است که ما به سالنی با عمق شش تا هفت متر نیاز داشتیم اما نتوانستیم این عمق را داشته باشیم و اکنون با عمق سالن پنج متر نمایش را اجرا می کنیم. اگر کمی دور تر بود، عروسک گردان ها کمتر دیده می شدند و کار قوی تر می شد. حتی در این سالن هم اگر مخاطب در ردیف های بالاتر بنشینند، عروسک گردان ها محو می شوند. این اتفاق باعث شده است که از تباط بهتر برقرار و بازی شان بهتر دیده شود اما به هر حال به کلیت کار لطمه می زند.

سالن سایه گنجایش تعداد اندکی مخاطب را دارد. چه میزان به بازگشت هزینه ای که برای این نمایش صورت گرفته است، امیدوار هستید؟

امید آنچنانی به بازگشت سرمایه ندارم. البته چندان هزینه نکردم. طراحان عروسک من آئی عیسی قلیان و مینا اصلانی بودند. شاید باور نکنید ولی بافتصد تا هشتصد هزار تومان عروسک های این نمایش را آماده کردم که شامل دستمزد خود بازیگران هم می شود!

